

اسرار تاریخی کمیته مجازات

«... کامران میرزا عمو و پدر زن احمد شاه ، والی خراسان بود و چون اطرافیان احمدشاه ازوالی های وقت اخاذیها می کردند ، هرچه بشاه اصرار میکردم که کامران میرزا را از خراسان بزدارد امتناع مینمود و با این که مشاور الممالک که مدتها در وزارت امور خارجه کار میکرد و قرار بود برای عقد قراردادی بروسیه رود به پیشکاری کامران میرزا منصوب شد لهذا ، به تعداد شکایات و تلگرافات واصله از مردم خراسان افزوده شد و اهالی بستوه آمدند، بعداً برای این که شخص دیگری را بجای کامران میرزا بوالی گری خراسان منصوب نمایند، بمشیرالدوله پیغام دادند که با پرداخت هفت هزار تومان والی خراسان بشود و او تن باین کار نداد تا اینکه من از وزارت داخله استعفاء داده و قوام السلطنه وزیر داخله شد و پس از چندی خودمأ مورخ خراسان شد...»



مهندس جواد تبریزی

مرحوم مستشارالدوله صادق که به هنگام تشکیل کمیته مجازات وزیر داخله کابینه بود برای نگارنده نقل می کرد:

« .. احمدشاه کرارا بمن میگفت ، شما میل دارید با استخلاص اعضای کمیته مجازات ، قوام السلطنه و دیگر کسانی را که کاندیدای پست وزارت داخله میباشند از میان بردارید و یا کمیته جدیدی برای این منظور تشکیل دهید و من در پاسخ بشاه می گفتم :

چگونه ممکن است کسانی که علنی و شناخته شده اند بتوانند بهادرت به آدمکشی نموده و نظرات خود را عملی سازند ؟

شما مردم را خوب نمی شناسید ، اینها برای دستمالی حاضرند قیصریه ای را به آتش بکشانند و با دریافت ۵۰ تا ۷۰ تومان قتل نفس کنند و بهمین دلیل همیشه می توان مردم را خرید و احتیاج نیست که از وجود کمیته مجازات که شناخته شده است مبادرت با اقدامی نمود...»

« ... تشکیلات اولیه کمیته مجازات خوب بود و اشخاصی که به قتل رسیدند واجب القتل بودند ولی کمیته مجازات صلاحیت انجام این کار را نداشت که اشخاصی را با اتهام خیانت ، جاسوسی ، وطن فروشی غیاباً محکوم نموده و حق دفاع را از آنان سلب و در خفا آنان را غافلگیر نموده به قتل برساند.

سلطان احمدشاه پس از قتل منتخب - الدوله گفته بود :

« کمیته مجازات از مسیر خود منحرف شده است...»

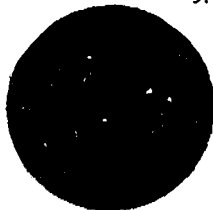
مستشار الدوله صادق معتقد بود که «میرزا محسن مجتهد و منتخب الدوله مستحق اعدام و قتل نبودند و عملیات اخیر کمیته با عاقت تمجب مردم و حیرت دولت گردید...»

« ... در کابینه علاء السلطنه که آقاپان

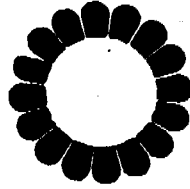
نصر الملک هدایت ، حکیم الملک ، مشیر - الدوله و مستوفی الممالک عضویت داشتند شنیدیم که دستهایی در کارند که می خواهند نصرت الدوله را نیز از میان بردارند و شخصی بنام شاهزاده محمد باقر میرزا بسا تروریست های کمیته مجازات تماس گرفته بود و یکی از آنها جریان امر را بنصرت الدوله اطلاع داده و او هم خود را از تیررس کمیته خارج کرده بود و بهمین جهت نصرت الدوله همیشه دوقبضه موزر در اتومبیل خود همراه داشت تا در مواقع خطر از خود دفاع کند...»

مستشار الدوله صادق در دنباله اظهارات خود برای نگارنده اینطور نقل می کرد :

« ... کریم دواتگر آدم لغو و غیر قابل اعتمادی بود ، بهادر السلطنه هم در ابتدای آشنائی با کمیته مجازات شروع به اخاذیها از این و آن میکرد که از جمله از سعد الدوله مبلغ پانصد تومان گرفته بود و یکبار هم در همیت ابوالفتح زاده مرحوم مشیر الدوله را ملاقات کرده و از او خواسته بود که پست ریاست بر یکبارد قزاق را به ابوالفتح زاده واگذار نماید و چون این شغل اهمیت زیادی داشت مشیر الدوله از قبول آن امتناع کرده بود .



مرحوم سید محمد صادق طباطبائی
که سالها ریاست مجلس شورایی ملی
را به عهده داشت در مصاحبه حضوری
برایم نقل می کرد:



در آورد و بدین ترتیب نظامی در بریکارد
مرکزی قزاق بوجود آورد...
سر لشکر ضرابی که زمانی ریاست
شهربانی کل کشور را به عهده داشت و از
جمله افراد معدودی است که پیاس دلاوریهها
و فداکاریها در جنگهای داخلی سلطنت
رضاشاه کبیر موفق به اخذ عالی ترین نشان
آرتش یعنی نشان ذوالفقار گردید خاطرات
خود را درباره کمیته مجازات اینطور نقل
می کرد:

(... قبل از تشکیل کمیته مجازات،
میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله مقادیر
معتنابهی گندم (دره دتی که پیشکار دارائی
بلوچستان و سیستان بود) به بهای ارزان
به انگلیسها فروخت و از این طریق
استفاده کلانی نمود. پس از مراجعت به تهران
اصلاح حساب خود را با اداره مالیه پس نداد و
چون تکیه گاه اصلی او انگلیسها بودند کسی
او را تعقیب نکرد و بهمین سبب روزنامه ها
به صدا درآمدند و او برای این که وضع
خود را مستحکم کند خود را بمتین السلطنه
مدیر روزنامه عصر جدید نزدیک کرد تا جائیکه
متین السلطنه در چند مورد از وی در روزنامه
خود حمایت و تمجید نمود و بدین ترتیب
احساسات آزادیخواهان را علیه خود دگر چرخه
دار و کمیته مجازات را وادار کرد که نام
متین السلطنه را نیز در زمره کسانی که مستحق
مجازات اعدام بودند قلمداد کنند.

... در صدر مشروطیت انجمنهای
سری و مخفی بنامهای گوناگون در تهران
و برخی از شهرها از جمله اصفهان تشکیل شد
که در کارهای مشروطیت با مشروطه خواهان
همکاری نموده و مراقبت نمایند زحمات
آنانان بهدر نرود و مشروطه از مسیر طبیعی
خود خارج نشود.

یکم، از انجمنهای سری به نام
انجمن غیرت نامیده می شد که منشی زاده و
ابوالفتح زاده سر تیپ قزاقخانه و محمد نظیر
خان مشکوة الممالک اعضای اصلی این انجمن
را تشکیل می دادند...

... اسداله خان ابوالفتح زاده مردی
شجاع، استوار، آزادیخواه و مسلح بود
و کرا را در مقابل زورگوییهای مافوقهای
خود ایستادگی کرده و تن به بیعتالتیها و
دستورات خلاف آنان نمی داد و معتقد بود که
در بریکارد قزاقخانه تا زمانی که نظامنامه ای
تدوین و مرحله اجرا گذارده نشود همیشه
زور و استبداد و قلدری بر قانون و مقررات
غلبه خواهد داشت و بهمین سبب چند بار
از طرف رؤسای خود محبوس و زندانی گردید
ولی پس از تلاش فراوان موفق شد آئین نامه
محاکماتی قزاقخانه را تنظیم و بمرحله عمل

**تیمسار سر لشکر ضرابی در دنباله
اظهارات خود اینطور نقل می کرد:**

کمیته دفاع ملی موقعی که بقم رفته
بود کریم دواتگر هم یکی از همراهان آن
بود.

کاپیتن شوتز در قم ، با دادن هزار تومان وجه نقد و چهار قبضه ماوزر و پنج رأس اسب کریم دواتگر را مأمور کرد که فرمانفرما را از میان بردارد .

کریم در تهران برای انجام مأموریت خود مدتی در منزل میرزا ابوطالب پاک (مقابل ضلع شمالی کاخ فعلی دادگستری) که مرد آزاده‌ای بوده مخفی بود بدون اینکه صاحب‌خانه از نیت و قصد باطنی او اطلاع داشته باشد و بالاخره چون موفق بکشتن وی نمی‌شود فرمانفرما هم از مأموریتی که بوی داده شده اطلاع پیدا می‌کند لذا کریم دواتگر از تهران فرار میکند...»

«... رفقای کریم دواتگر که قصد جان فرمانفرما را کرده بودند عبارت بودند از لطف‌اله خان زاهدی - علی آقا مجاهد - داداش بیک که بعداً روی اشیائی که از کاپیتان شوتز دریافت کرده بودند بین آنان اختلاف شدیدی ایجاد شد و علت اصلی اختلاف این بود که کریم حاضر نشد دیناری از هزار تومان را که از کاپیتان شوتز گرفته بود به رفقای خود بدهد...»

«بعداً که کریم دواتگر وسیله رشید - السلطان و عبدالحسین ساعت‌ساز و سیدمرتضی خان کشته‌شد و رئیس نظمیه وقت هر چه سعی کرد بفهمد کریم و رفقایش پول و وسائل مذکور را از چه کسی دریافت کرده بودند موفق نشد.

زیرا کمیته مجازات از راه تهدید مانع شد که باز جوئی و استنتاج ادامه یابد...»

«... متین السلطنه مدیر روزنامه عصر جدید که یکی از رفقای صمیمی میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله بود برای دستگیری کمیته و مجازات اعضای آن تا آنجا

پافشاری می‌کرد که بالاخره جان خود را در این راه از دست داد و خود بر سر نوشت میرزا اسمعیل خان دوچار شد...»

(ربیع الثانی ۱۳۳۴ قمری) در این موقع کابینه بریاست مرحوم سپهسالار و عضویت این اشخاص زمام امور را در دست داشت.

سردار منصور (سپهدار دشتی) وزیر پست و تلگراف

سارم الدوله وزیر امور خارجه
سردار کبیر برادر سپهسالار تنکابنی
وزیر جنگ

علاء الملک وزیر عدلیه
حاج یحیی الممالک وزیر مالیه .
ممتاز الملک وزیر مختار سابق ایران در
واشنگتن - وزیر فرهنگ

حاج میرزا احمد خان مشیر اعظم فرزند
اتابک اعظم - وزیر فوائد عامه

«... دولت پس از قتل میرزا اسمعیل خان و متین السلطنه و میرزا محسن هجتهد ، تصمیم گرفت علیه کمیته مجازات اعلامیه ای منتشر نماید. و تهیه این اعلامیه را بعهده

چند نفر واگذار نمود که طرح پیشنهادی منتخب الدوله مورد توجه بیشتر قرار گرفت و بدین ترتیب منتخب الدوله ندانسته دشمنی و خصومت برخی از اعضای کمیته مجازات را بخود جلب کرد تا جایی که جان خود را بر سر این کار گذاشت و بدون این که مرتکب گناه یا خیانتی شده باشد به تحریک یکی از عوامل کمیته مجازات کشته شد...»

«... در این هنگام آنچه هر ج و مرج و آنارشسیم سراسر مملکت را فرا گرفته بود که هر کس برای انجام منظورهای سیاسی و شخصی خود مبادرت بشکلی گروه و یا دسته‌ای کرده و دست بآدمکشی زده بود

که نصرت الدوله و استداهل رئیس وقت
نظمیه از جمله این افراد بودند و بالاخره
ماژور استوار را که افسری لایق و وطنپرست
و دلیر بود فدای اغراض و مطامع شخص خود
نموده او را ترور نمودند ...»

مرحوم ملک الشعراء بهار پس از قتل منتخب الدوله نقل می کرد:



و امضای کمیته مجازات علیه احمدشاه بدست
آورده بودند که با ارائه آن ذهن احمدشاه
را نسبت به کمیته مجازات مشوب و مظنون
کرده بودند...»

«حسین خان خلیجالی پدر رشیدالسلطان
با من سابقه آشنائی و دوستی داشت و چون
بعداً در کابینه وثوق الدوله احساس کردم
که رشیدالسلطان و حسین خان لله و سایر
تروربست‌های کمیته مجازات تحت تعقیب قرار
گرفته اند لذا نظر بنا بسا بقه دوستی دار رشیدالسلطان
و پدرش توسط شخصی بنام جعفرزاده راستین
که از دوستان مشترک من و رشیدالسلطان
بود به رشیدالسلطان پیغام دادم که خود را
پنهان کند و اگر جعلی برای اختفای خود
ندارد بخانه من بیاید تا اقدامات احتیاطی
لازم بشود...»

«... جعفر راستین پس از تلاش زیاد
توانست رشیدالسلطان و حسین خان الله را
بیابد رشیدالسلطان هم که حس می‌کندم ما مورین
خفیه نظامیه در تعقیب و جستجوی او میباشند
بخارج شهر فرار و بالاخره شخصی بنام امیر
جاهد (از ما مورین خفیه نظامیه) و جمعی دیگر
از ما مورین مسلح قبل از این که وی به قریه
کن برسد او را محاصره و دستگیر نموده
در نظمی‌زدنانی ساختند. و من (ملک الشعراء
بهار) برای استخلاص او و عبدالحسین ساعت
ساز تلاش‌ها کردم تا جائی که باعث رنجش
و وثوق الدوله شد و فقط توانستم عبدالحسین
ساعت ساز را از مرگ قطعی رهایی دهم
ولی رشیدالسلطان و حسین خان لله در
میدان توپخانه بدار آویخته شدند»

ادامه دارد

روزنامه‌های آن زمان از جمله بامداد
روشن در مورد این واقعه انتقاداتی کردند
و کمیته مجازات هر چه دست و پا کرد که خود
را در مورد قتل منتخب الدوله تبرئه کند
موفق نشد تا جائی که دولتی‌ها موفق شدند
نظر احمدشاه را نسبت به کمیته مجازات که
تا آن روز خوشبین بود بدبین سازند و
اعلاء السلطنه رئیس دولت وقت دستور دستگیری
آنها را صادر و آنها را در خانه ابوالفتح زاده
تحت نظر قرار دهد و چون کمیته مجازات
در بین مردم هنوز طرفدارانی داشت لذا
زیاد درباره دستگیرشدگان و اعضای کمیته
سخت گیری نمیشد و شنیدم سندی به مهر